



# آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری

## جلد اول

حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن

حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی

حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان

جناب آقای دکتر محسن قاسم‌پور

جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر

سرکار خانم دکتر شادی نفیسی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۴

آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری / محمدباقر سعیدی روشن... [و دیگران]. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

۲ج: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۶۵، ۲۳۱: قرآن پژوهی؛ ۱۵، ۲۶)

ISBN: 978-600-5486-37-7 (ج ۱) بهای: ۶۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-014-4 (ج ۲) بهای: ۱۶۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-5486-39-1 (دوره)

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه.

نمایه.

مؤلفان جلد اول: محمدباقر سعیدی روشن، محمد اسعدی، فتح‌الله نجارزادگان، محسن قاسم‌پور، محمدکاظم شاکر و شادی نفیسی.

۱. تفاسیر - تاریخ و نقد. ۲. قرآن - مسائل لغوی. ۳. تفاسیر فقهی. الف. سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۴۰ - ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۹۷/۱۹

BP ۹۲/ ۱۵ ۱۳۸۹

۱۹۸۳۱۸۱

شماره کتابشناسی ملی



### آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری (جلد اول)

مؤلفان: حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن، حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی، حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان، دکتر محسن قاسم‌پور، دکتر محمدکاظم شاکر و دکتر شادی نفیسی

ویراستار: سید محمدحسن جواهری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ سوم: زمستان ۱۳۹۴ (چاپ دوم: تابستان ۱۳۹۰)

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۲۱۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قسم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه □ تلفن: ۲۲۱۱۱۱۰۰ (۰۲۵) انتشارات: ۲۲۱۱۱۲۰۰

نمایر: ۲۲۸۰۲۰۹۰، ص.پ. ۲۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ □ تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو □ تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu: فروش اینترنتی

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است. پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع اصلی درس روش‌ها و مکاتب تفسیری در سطوح تحصیلات تکمیلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از استادان و محققان ارجمند انتظار می‌رود که با ارائه رهنمودهای اصلاحی خویش پژوهشگاه را در جهت بهسازی این اثر و دیگر آثار قرآنی یاری رسانند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از پدیدآورندگان محترم این اثر و نیز مدیر محترم گروه قرآن پژوهی تشکر نموده، توفیق بیش از پیش همه آن عزیزان را در خدمت به آستان قرآن کریم از خداوند مسئلت دارد.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
روند اجرایی طرح	۳

### بخش اول: منطق تفسیر قرآن

فصل اول: تفسیر قرآن و مبانی	۹
مفهوم تفسیر	۹
مفهوم مبانی	۱۰
منشأ و ساختار مبانی	۱۱
۱-۱. مبانی شناسنامه‌ای	۱۲
الف) قرآن سخن خدا	۱۲
ب) همگانی بودن دعوت قرآن	۱۲
ج) قرآن مصون از تحریف	۱۲
د) جامعیت و کمال	۱۲
ه) جاودانگی	۱۲
۲-۱. مبانی دلالتی تفسیر قرآن	۱۳
۱-۲-۱. فهم‌پذیری قرآن	۱۳
دلایل امکان فهم و تفسیر قرآن	۱۳
۲-۲-۱. جواز تفسیر	۱۶
دلایل جواز تفسیر	۱۷

۱۸	۳-۲-۱. اعتبار و حجیت فهم و تفسیر
۱۹	دلایل اعتبار تفسیر
۲۱	نسبیت فهم؟
۲۱	نقد و بررسی
۲۳	۴-۲-۱. ممنوعیت تفسیر به رأی
۲۷	۵-۲-۱. قرآن و سطوح گوناگون معنا
۲۹	هندسه ساختاری قرآن
۲۹	الف) ماهیت چندوجهی قرآن
۲۹	ب) ماهیت چندسطحی قرآن
۲۹	مراتب قرآن از منظر ظهر و بطن
۳۰	دلیل بر ظهر و بطن
۳۱	اشارات قرآن و سنت
۳۲	۶-۲-۱. زبان قرآن، زبان هدایت
۳۲	شیوه زبان قرآن
۳۲	الف) زبان عرف عام
۳۳	ب) زبان عرف خاص
۳۳	نظریه تأویلی محض
۳۳	نظریه محدودانگاری مخاطب
۳۴	ج) زبان ترکیبی
۳۴	د) زبان ویژگی محور
۳۷	نقد و تحلیل
۳۹	ویژگی‌های زبان قرآن
۴۳	<b>فصل دوم: تفسیر قرآن و قاعده‌مندی</b>
۴۴	۱-۲. اتکا بر قرائت صحیح متن قرآن
۴۵	۲-۲. استفاده از ابزارهای علمی مناسب
۴۸	۳-۲. توجه به معنی لغوی واژه‌ها
۴۹	۴-۲. رعایت دستور ترکیب جملات
۵۰	۵-۲. اخذ ظهور مستقر کلام
۵۱	۶-۲. اهتمام به تفکیک معنای حقیقی از معنای مجازی
۵۴	۷-۲. رعایت عام و خاص

۵۶	۸-۲. رعایت مطلق و مقید .....
۵۸	۹-۲. توجه به دلالت‌های گوناگون کلام .....
۵۹	دلالت‌های گوناگون لفظی .....
۶۱	۱۰-۲. نگاه به همه معانی (وجوه معنایی قرآن) و محدود نشدن به برخی .....
۶۵	۱۱-۲. در نظر گرفتن سیاق و بافت کلام .....
۶۶	معنای سیاقی در نگاه عالمان مسلمان .....
۶۷	علوم ادبی و معنای سیاقی .....
۶۹	علوم قرآن، متون تفسیری و معنای سیاقی .....
۷۰	علم اصول و معنای سیاقی .....
۷۳	۱۲-۲. توجه به معنی کلمات پیش از قرآن، در قرآن و پس از قرآن .....
۷۶	۱۳-۲. اصل قرار دادن محکمت برای روشن کردن متشابهات .....
۷۹	۱۴-۲. ضرورت نگاه سیستمی به مفاهیم قرآن .....
۸۱	۱۵-۲. ملاحظه سنت شارح در تفسیر قرآن .....
۸۳	اعتبار روایات تفسیری .....
۸۴	الف) دیدگاه توسعی .....
۸۴	ب) تفصیل میان انواع خبر و انواع موضوعات .....
۸۷	۱۶-۲. بهره‌گیری از عقل استدلالی در تفسیر .....
۸۸	مفهوم عقل .....
۸۹	ارزش و جایگاه عقل .....
۹۰	اعتبار عقل .....
۹۰	الف) حجیت ذاتی .....
۹۱	ب) شواهد قرآنی .....
۹۲	نقش عقل در تفسیر .....
۹۲	الف) تحلیل و پردازش داده‌های منابع دیگر .....
۹۲	ب) کشف لوازم .....
۹۲	ج) تبیین و ایضاح معارف دشوار قرآن .....
۹۳	د) رفع تعارض ظاهری آیات .....
۹۳	ه) ایفای نقش در آیات متشابه .....
۹۳	و) راهکار تدبیر .....
۹۴	عقل منبع کشف معارف الهی .....

۹۶	فصل سوم: تفسیر قرآن و روش مندی
۹۶	۱-۳. مفهوم روش
۹۷	۲-۳. اهمیت روش
۹۷	۳-۳. روش تفسیر و نگاه‌ها
۱۰۰	دیدگاه
۱۰۲	۴-۳. فرایند تفسیر
۱۰۴	فصل چهارم: تفسیر قرآن و معیارپذیری
۱۰۵	معیارهای سنجش تفسیر
۱۰۵	۱-۴. سازگاری با عقل
۱۰۶	۲-۴. تطابق با اصول عقلایی حاکم بر زبان محاوره
۱۰۷	۳-۴. سازگاری درونی مفاد متن
۱۰۹	۴-۴. سازگاری با روح کلی شریعت و مقصد توحیدی
۱۱۱	۵-۴. سازگاری با نیازهای اساسی انسان
۱۱۲	نتیجه
۱۱۳	منابع این بخش

### بخش دوم: جریان روایت‌گروی

۱۲۴	فصل اول: جریان‌شناسی
۱۲۴	۱-۱. ریشه‌ها و پیشینه‌های جریان روایت‌گرا در تاریخ تفسیر
۱۲۶	۱-۱-۱. گرایش سلبی
۱۲۹	۲-۱-۱. گرایش ایجابی
۱۳۰	۲-۱. شاخه‌ها و گونه‌های جریان و سیر تاریخی آن
۱۳۰	۱-۲-۱. حوزه سنی
۱۳۴	۲-۲-۱. حوزه شیعی
۱۴۲	فصل دوم: آسیب‌شناسی
۱۴۲	۱-۲. آسیب‌های مبنایی
۱۴۲	۱-۱-۲. حوزه قرآنی: انکار مرجعیت و محوریت قرآن در پرتو اصل عدم حجیت ظواهر
۱۴۵	نقد و بررسی مسئله حجیت ظواهر قرآنی
۱۴۹	الف) اختصاصی بودن خطاب قرآن



۱۵۱	..... (ب) پیچیدگی و تشابه زبان قرآن
۱۵۵	..... (ج) ظنی و نامعتبر دانستن دلالت قرآن
۱۵۶	..... ۲-۱-۲. در حوزه حدیثی
۱۵۷	..... ۱-۲-۱. توسعه و تساهل در ملاک‌های اعتبار احادیث تفسیری در معارف عمومی
۱۶۰	..... ۲-۲-۱-۲. تعمیم حدیث مرفوع نبوی به حدیث موقوف یا مقطوع صحابی و تابعی
۱۶۱	..... ۳-۲-۱-۲. تلقی بسیط و قطعی از دلالت روایات
۱۶۳	..... ۴-۲-۱-۲. باور به عدم روشمندی روایات تفسیری
۱۶۵	..... ۳-۱-۲. در حوزه عقلی: نفی نقش مستقل عقل در تفسیر
۱۶۸	..... ۲-۲. آسیب‌های روشی
۱۶۹	..... ۱-۲-۲. عدم توجه به اسناد احادیث
۱۷۰	..... ۲-۲-۲. پرهیز از تحلیل دلالتی احادیث
۱۷۱	..... ۱-۲-۲-۲. تطبیق غیر دقیق روایات بر آیات
۱۷۳	..... ۲-۲-۲-۲. خلط حوزه‌های مختلف زبانی قرآن
۱۷۴	..... تفسیر «أهل الذکر» در آیه ۴۳ نحل به اهل بیت پیامبر ﷺ
۱۷۵	..... تفسیر «قضای تفت» در آیه ۲۹ حج به لقای امام
۱۷۷	..... ۳-۲-۲. سطحی‌نگری در گزینش احادیث تفسیری در حد رابطه لفظی
۱۷۸	..... ۳-۲. آسیب‌های غایی
۱۷۹	..... ۱-۳-۲. دور شدن تفسیر از روح هدایت‌بخش و سازنده قرآن
۱۸۱	..... ۲-۳-۲. غربت و مهجوریت قرآن در حوزه‌های سنتی علوم دینی
۱۸۲	..... ۳-۳-۲. خلافت‌فرینی و بسترسازی برای رأی‌گروی
۱۸۴	..... منابع این بخش

### بخش سوم: جریان سلفی‌گری

۱۹۸	..... فصل اول: جریان‌شناسی سلفیان
۱۹۸	..... ۱-۱. شناخت سلف و سلفیان و پشتوانه‌های فکری آنان
۲۰۰	..... ۲-۱. روش تفسیر سلفی
۲۰۵	..... فصل دوم: آسیب‌شناسی تفسیر سلفیان
۲۰۵	..... ۱-۲. مدلل‌سازی و حجیت‌بخشی به تفسیر صحابه و تابعین
۲۰۸	..... بررسی دلایل حجیت قول صحابه در تفسیر

۲۱۳	.....	۲-۲. مرزبندی و ارزش‌گذاری تفاسیر
۲۱۹	.....	۳-۲. طبقه‌بندی مراتب صحابه و تابعین در فهم مقاصد قرآن
۲۲۰	.....	۴-۲. ادعای عدم اختلاف تضادی در آرای تفسیری سلف
۲۲۱	.....	۵-۲. ترجیح تفویض بر تأویل و نقل بر عقل
۲۲۱	.....	مرحله اول
۲۲۴	.....	مرحله دوم
۲۲۶	.....	مرحله سوم
۲۲۷	.....	درنگی در رویارویی ابن تیمیه با احادیث
۲۳۱	.....	سلفی‌گری و رؤیت حق تعالی
۲۴۰	.....	منابع این بخش

### بخش چهارم: جریان باطنی

۲۵۰	.....	فصل اول: جریان‌شناسی تاریخی و فکری
۲۵۰	.....	۱-۱. باطنیه، پیدایش و اصول فکری آنان
۲۵۱	.....	۲-۱. تطور تفکر باطنی در حوزه تفسیر
۲۵۲	.....	۳-۱. پیشینه و گستره تفسیر باطنی
۲۵۵	.....	۴-۱. گونه‌شناسی جریان اسماعیلیه
۲۵۷	.....	ارتباط اسماعیلیه و خطابیّه
۲۵۸	.....	عقاید ابوالخطاب
۲۶۰	.....	محمد بن اسماعیل و مبارکیه و دوران ستر
۲۶۱	.....	اسماعیلیان فاطمی
۲۶۲	.....	۵-۱. باطن‌گرایان متأخر
۲۶۴	.....	۶-۱. عقاید باطنیان اسماعیلی
۲۶۵	.....	جد، فتح و خیال
۲۶۷	.....	باطن‌گرایی در آیین اسماعیلیه
۲۶۸	.....	۷-۱. اسماعیلیه و تأثیرپذیری آنان از عقاید و فرهنگ‌های غیر اسلامی
۲۶۹	.....	۱-۷-۱. رابطه ظاهر و باطن و نقش شریعت در آیین اسماعیلیه
۲۷۳	.....	۸-۱. تنزیل و تأویل و رابطه آن با ظاهر و باطن از نظرگاه اسماعیلیه
۲۷۳	.....	۹-۱. براهین اسماعیلیه بر ضرورت وجود باطن برای قرآن

۲۷۶	فصل دوم: آسیب‌شناسی تفسیر باطنی
۲۷۷	۱-۲. انکار ظاهر قرآن و نفی احکام شرعی توسط برخی مفسران باطنی
۲۷۹	۲-۲. ناضابطه‌مندی تأویل و باطن در تفسیر باطنی
۲۸۰	۳-۲. بنا نشدن تأویلات باطنی بر دلایل نقلی معتبر
۲۸۰	۴-۲. تأویل در خدمت اصول فکری و معتقدات اسماعیلیه
۲۸۳	۵-۲. بهره‌گیری از اندیشه‌های فلسفی و غیر اسلامی در تفسیر باطنی
۲۸۶	۶-۲. پیامدهای منفی رویکردهای افراطی باطنی‌گری
۲۹۰	منابع این بخش

### بخش پنجم: جریان صوفی عرفانی

۳۰۴	فصل اول: جریان‌شناسی
۳۰۴	۱-۱. جریان‌شناسی تفسیر عرفانی در گذر تاریخ
۳۲۳	۲-۱. مهم‌ترین گونه‌های تفسیر عرفانی
۳۲۳	تفسیر صوفی - نظری و تفسیر فیضی - اشاری
۳۲۴	تفسیر صوفی - نظری
۳۲۴	تفسیر صوفی - فیضی یا اشاری
۳۲۵	تأویل حروفی
۳۲۸	تفسیر انفسی
۳۲۹	فصل دوم: آسیب‌شناسی
۳۲۹	۱-۲. آسیب‌های مبنایی
۳۲۹	۱-۲-۱. تلقی تجربی از وحی و مشکلات زبان‌شناختی
۳۳۱	۲-۱-۲. تکثرپذیری فهم و مشکلات هرمنوتیکی
۳۳۳	۳-۱-۲. عقل‌گریزی در مبانی تفسیری
۳۳۴	۲-۲. آسیب‌های روش‌شناختی
۳۳۴	۱-۲-۲. ناضابطه‌مندی در معناشناسی واژگان
۳۳۷	۲-۲-۲. عدم رعایت اصل مرجعیت محکمت در آموزه‌های متشابه
۳۴۰	۳-۲-۲. تکیه بر کشف و شهود غیر معصومانه در تفسیر
۳۴۴	۴-۲-۲. استناد بی‌ضابطه به روایات در تفسیر
۳۴۶	۳-۲. آسیب‌های غایی

۳۴۶	..... ۱-۳-۲. جبرگرایی و پیامدهای آن
۳۴۷	..... ۲-۳-۲. تسامح عقیدتی در مسئله تکثر ادیان
۳۴۸	..... ۳-۳-۲. تسامح عملی در رعایت احکام شرعی
۳۵۰	..... ۴-۳-۲. تغییر ماهیت آثار تفسیری
۳۵۱	..... ۵-۳-۲. پیامدهای سوء اجتماعی
۳۵۳	..... جمع‌بندی و نتایج
۳۵۸	..... منابع این بخش

### بخش ششم: جریان قرآن‌گرایی افراطی

۳۶۸	..... فصل اول: جریان‌شناسی
۳۶۸	..... ۱-۱. ریشه‌ها و پیشینه‌های جریان
۳۷۰	..... ۲-۱. گونه‌شناسی جریان قرآن‌گرایی و شاخه‌های افراطی آن
۳۷۳	..... ۱-۲-۱. قرآن‌گرایی افراطی در شبه‌قاره هند
۳۷۳	..... زمینه‌ها
۳۷۵	..... جماعت‌های قرآن‌گرا در شبه‌قاره
۳۷۶	..... ۲-۲-۱. قرآن‌گرایی افراطی در سرزمین‌های عربی
۳۷۷	..... زمینه‌ها
۳۷۸	..... نمونه‌ها
۳۸۰	..... ۳-۲-۱. قرآن‌گرایی افراطی در ایران
۳۸۰	..... زمینه‌ها
۳۸۰	..... نمونه‌ها
۳۸۳	..... فصل دوم: آسیب‌شناسی
۳۸۳	..... ۱-۲. آسیب‌های مبنایی
۳۸۳	..... ۱-۱-۲. نفی نقش سنت و حدیث
۳۸۴	..... الف) دیدگاه‌های فروکاهشی در مفهوم «سنت»
۳۸۶	..... ب) نگره عدم امکان دستیابی به سنت معتبر
۳۸۸	..... ج) نظریه ناروایی مراجعه به سنت
۳۸۸	..... انکار عصمت و تقدس پیامبر
۳۸۹	..... شرک‌آمیز شمردن حجیت اعتبار دینی سنت به مثابه حکم الله در کنار قرآن

۳۹۰	.....	ظنی بودن سنت و ناهمسانی آن با آیات قطعی قرآن
۳۹۱	.....	نهی نبوی و امتناع صحابه از کتابت سنت
۳۹۳	.....	عدم استقلال سنت و ضرورت عرضه آن به قرآن
۳۹۵	.....	آفات سنت‌گرایی در حوزه فهم قرآن
۳۹۶	.....	آفات سنت‌گرایی در حوزه‌های اجتماعی
۳۹۸	.....	د) ادعای کفایت قرآن و بی‌نیازی از سنت
۳۹۹	.....	۱-۱-۲. نادیده‌انگاری نقش عقل برهانی
۴۰۰	.....	۲-۲. آسیب‌های روشی
۴۰۰	.....	۱-۲-۲. رأی‌گروی در استخراج تفاسیل شرعی از قرآن
۴۰۳	.....	۲-۲-۲. تأویل‌گروی در فهم معارف قرآن
۴۰۳	.....	الف) معارف نظری
۴۰۷	.....	ب) معارف عملی
۴۰۹	.....	۳-۲-۲. نگرش افراطی به نقش عربیت زبان قرآن در تفسیر
۴۰۹	.....	۴-۲-۲. تحکیم روابط سیاقی بر سنت معتبر
۴۱۲	.....	۳-۲. آسیب‌های غایی
۴۱۳	.....	۱-۳-۲. در حوزه فکری فرهنگی
۴۱۳	.....	الف) گرایش‌ها و علایق سلفی وهابی
۴۱۶	.....	ب) گرایش‌های تساهل‌گرایانه و پلورالیستی در حوزه ادیان و مذاهب
۴۱۸	.....	ج) گرایش‌های تجربه‌گرایانه در مفاهیم متعالی
۴۱۸	.....	د) گرایش‌های انسان‌مدارانه در احکام و حدود شرعی
۴۱۹	.....	۲-۳-۲. در حوزه سیاسی اجتماعی
۴۲۰	.....	الف) تضعیف جبهه دینداران
۴۲۰	.....	ب) همکاری یا همسویی با استعمارگران
۴۲۲	.....	منابع این بخش

### بخش هفتم: جریان تفسیر علمی

۴۳۲	.....	فصل اول: جریان‌شناسی تفسیر علمی
۴۳۲	.....	پیشینه تفسیر علمی در میان گذشتگان
۴۳۳	.....	تفسیر علمی در دوره معاصر
۴۳۵	.....	زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر علمی

۴۳۶	پیشینه بحث
۴۳۸	۱-۱. زمینه‌های عام
۴۳۸	آگاهی از پیشرفت چشمگیر غرب و توجه به ضعف و عقب‌افتادگی جوامع اسلامی از قافله تمدن
۴۴۱	۲-۱. زمینه‌های خاص
۴۴۲	۱-۲-۱. نحله‌های فلسفی و فکری در غرب
۴۴۴	۲-۲-۱. آگاهی از مباحث کلام جدید
۴۴۵	۳-۲-۱. نقدهای مستقیم مستشرقان به اسلام
۴۴۶	۴-۲-۱. گسترش و عمومی شدن اطلاعات علمی در جامعه
۴۴۸	۳-۱. مبانی فکری
۴۵۱	۱-۳-۱. همسانی کتاب تشریح و تکوین
۴۵۲	۲-۳-۱. اسلام، دین عقل و علم
۴۵۳	۳-۳-۱. انگیزش بشر به شناخت هستی
۴۵۴	۴-۳-۱. اشتغال قرآن بر تمامی علوم
۴۵۶	۵-۳-۱. اعجاز علمی قرآن
۴۵۷	۶-۳-۱. جاودانگی پیام قرآن و ضرورت اعجاز قابل فهم برای مردمان این دوره
۴۵۸	۷-۳-۱. توانمندی اسلام در رویارویی با چالش‌های جدید
۴۵۸	۸-۳-۱. طریق ایمان همان طریق علم
۴۵۹	۹-۳-۱. تأثیر علم در فهم بهتر بعضی آیات
۴۶۰	۱۰-۳-۱. واقع‌نمایی علم
۴۶۲	<b>فصل دوم: آسیب‌شناسی تفسیر علمی</b>
۴۶۲	طبقه‌بندی جریان‌های مخالف و موافق تفسیر علمی
۴۶۳	مفسران علمی، پیشگیری از آسیب‌ها و گذاشتن قیود
۴۶۳	نقد مفسران علمی در مورد تفسیرهای افراطی
۴۶۴	قیود مفسران علمی
۴۶۵	توجه تاریخی به آسیب‌ها
۴۶۶	طبقه‌بندی آسیب‌ها
۴۶۶	۱-۲. آسیب‌های مبنایی
۴۶۶	۱-۱-۲. تعمیم نابه جا در «یکی بودن کتاب تکوین و تشریح»
۴۶۷	۲-۱-۲. مطلق‌انگاری علم
۴۶۸	۳-۱-۲. تعمیم صلاحیت علم در تفسیر آیات هستی‌شناسانه

۴۷۰	..... ۴-۱-۲. تعمیم عمومیت خطاب قرآن به معنای لغت
۴۷۰	..... ۵-۱-۲. انتظار بیش از حد از قرآن
۴۷۱	..... ۶-۱-۲. قرآن: کتاب علم
۴۷۲	..... ۷-۱-۲. میان‌بری به تحصیل علم
۴۷۲	..... ۲-۲. آسیب‌های روشی
۴۷۲	..... ۱-۲-۲. عدم توجه به سیاق آیات
۴۷۳	..... ۲-۲-۲. عدم توجه به استعمال واژه در قرآن
۴۷۴	..... ۳-۲-۲. پراکنده‌گویی
۴۷۶	..... ۴-۲-۲. برخورد گزینشی با علم (یا قرآن)
۴۷۶	..... ۳-۲. آسیب‌های محتوایی
۴۷۷	..... ۱-۳-۲. عدم دلالت لفظ یا عبارت بر معنای مورد نظر
۴۸۰	..... ۲-۳-۲. تطبیق نظریه‌های ثابت نشده علمی بر قرآن
۴۸۳	..... ۳-۳-۲. تطبیق مطالب غیر علمی با تصور علمی بودن بر قرآن
۴۸۴	..... ۴-۳-۲. زیاده‌روی در طرح بحث اعجاز علمی
۴۸۷	..... ۴-۲. آسیب‌های غایی
۴۸۸	..... ۱-۴-۲. غیب‌زدایی
۴۹۳	..... ۲-۴-۲. دور شدن از هدف تربیتی قرآن و تبدیل شدن به کتاب علم، فلک و ریاضیات
۴۹۵	..... ۳-۴-۲. زمان‌مند ساختن تفسیر قرآن
۴۹۸	..... ۴-۴-۲. عیب‌جویی از گذشتگان
۴۹۹	..... ۵-۴-۲. اضطراب آرا یا تشتت
۵۰۰	..... ۶-۴-۲. تعلیل احکام با توجه به علم، ایجاد توهم دسترسی به علت احکام
۵۰۱	..... ۷-۴-۲. تقدس‌زدایی از اعمال عبادی
۵۰۳	..... منابع این بخش
۵۱۱	..... <b>نمایه‌ها</b>
۵۱۱	..... نمایه آیات
۵۲۳	..... نمایه روایات
۵۲۵	..... نمایه اسامی خاص
۵۲۶	..... نمایه اعلام
۵۴۳	..... نمایه کتاب‌ها و مجلات





## مقدمه

«وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»<sup>۱</sup> قرآن برای مؤمنان شفابخش و مهرآفرین و برای ستمکاران زیان‌افزاست.»

هدایت فراگیر پروردگار که در قرآن تجلّی یافته، همگان را فرا می‌خواند، ولی بار یافتن به پیشگاه نورانی آن و به بار نشستن نهال معرفت و برگرفتن از دامن رحمت الهی شرایطی می‌طلبد.

حوزه فهم و تفسیر قرآن حوزه‌ای درازدامن می‌باشد که همواره مایه دلمشغولی قرآن‌پژوهان بوده است. فرود و فرازها و ضعف و قوت‌ها و سکون و تلاطم‌های جریان پردامنه تفسیر قرآن در طول تاریخ، اینک برای ما قابل مشاهده و شایسته تأمل و مطالعه است و رسالت ما را در انتخاب راه درست تفسیر و نقد و پالایش خلل‌ها و آسیب‌های گذشته از یک سو و خطرها و نگرانی‌ها از سوی دیگر، خطیر و سنگین می‌سازد.

تجربه گذشته جریان‌های مختلفی که در دل جریان وسیع تفسیر پدید آمده‌اند، برای مفسر روزگار ما مایه عبرت و درس‌آموزی است. از سوی دیگر، نیازها و مسائل ویژه عصر را نمی‌توان در نوع مواجهه با قرآن - به عنوان کتابی جاوید و زنده - از نظر دور داشت. به راستی چگونه می‌توان ایمن از آسیب‌ها و آفات گذشته به حل معضلات و پاسخ پرسش‌های دینی قرآنی عصر اندیشید؟ طبعاً هرگونه کوتاه‌اندیشی و کم‌گذاری از حق تحقیق و تدبّر در این‌باره مشمول عنوان عام «ظلم» در فرهنگ قرآنی خواهد بود و ما را از بهره‌مندی کافی از نسخه شفابخش و درمان‌گر و جلوه مهرآفرین قرآن محروم و خسارت ما را افزون خواهد ساخت: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».

کتابی که پیش روی شماست، با عنوان آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، پژوهشی گروهی در راستای دغدغه‌های فوق است. این پژوهش به بررسی، تجزیه و تحلیل آن دسته از رویکردهای تفسیری می‌پردازد که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های قابل تحقیق، به روندی اثرگذار در حوزه اندیشه‌های دینی تبدیل شده است. شک نیست که دانش تفسیر قرآن دانشی ضابطه‌مند و روش‌پذیر در راستای درک درست مقاصد الهی است؛ از این رو، عناصر مشترک و مورد وفاق دانشمندان فریق‌گونه‌گون اسلامی، در جهت فهم قرآن آن‌سان قابل اعتناست که منطق تفسیر قرآن را سامان می‌دهد. با این همه، رویکردهای عملی جریان‌های گوناگون تفسیری، نوعی فاصله‌یابی از آن منطق استوار را ترسیم می‌نماید. در این بین بازکاوی آسیب‌های مبنایی و روشی جریان‌های تفسیری و پیامدهای ناشی از آنها تلاشی بایسته و در عین حال خطیر است.

بر این اساس، پرسش از پیشینه‌ها و زمینه‌های هر جریان و مؤلفه‌های آن، آسیب‌های مبنایی و روشی و پیامدهای آن (آسیب‌های غایی)، سؤال‌های اصلی این تحقیق به شمار می‌آیند.

بخش‌های این تحقیق در راستای پاسخ تفصیلی به این پرسش‌ها، سه هدف زیر را دنبال می‌کند:

۱. بازشناسی آسیب‌پذیری‌ها و آفت‌آفرینی‌های جریان‌های مهم تفسیری؛
۲. بررسی و تحلیل آسیب‌ها و علل و عوامل و ریشه‌های آن؛
۳. فراهم‌سازی بستر مناسب برای روش‌های کارآمد، صحیح و جامع در فهم و تفسیر. در راستای اهداف فوق تاکنون آثار درخور توجه و ارزشمندی عرضه شده<sup>۱</sup> و این

۱. جدا از آثاری که مرتبط با هر یک از عناوین بخش‌های این کتاب به صورت موردی به بررسی جریان‌های تفسیری پرداخته‌اند، به صورت کلی و نسبتاً جامع نیز آثاری نگاشته شده که از آن جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

– اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر اثر فهد رومی؛

– اتجاهات التفسیر فی مصر فی العصر الحديث اثر عفت شرقاوی؛

– اتجاهات التفسیر فی العصر الراهن اثر عبدالمجید عبدالسلام محتسب؛

– اتجاهات التجديد فی تفسیر القرآن الکریم فی مصر اثر محمد ابراهیم شریف؛

– التفسیر والمفسرون اثر محمد حسین ذهبی؛

– التفسیر والمفسرون فی توبه القشيب اثر محمد هادی معرفت؛

– شناخت قرآن اثر سید علی کمالی دزفولی؛

– مبنای و روش‌های تفسیری اثر عباسعلی عمید زنجانی؛

– مذاهب التفسیر الاسلامی اثر گل‌دیزهر، ترجمه عبدالحلیم نجار؛

- تحقیق نیز در همین راستا و با توجه به ویژگی‌ها و امتیازهای ذیل تدوین شده است:
۱. تحقیق و بررسی هر جریان با مطالعه پیشینه‌ها، بسترها و پیامدهای فکری فرهنگی آن؛
  ۲. تفکیک دقیق میان گونه‌های مختلف هر جریان؛
  ۳. جامعیت و فراگیری نسبت به مهم‌ترین جریان‌ها؛
  ۴. توجه به مبانی فکری و روشی تفسیر بر اساس مبانی مستدل و مورد اتفاق؛
  ۵. گروهی بودن تحقیق و همکاری محققان صاحب‌نظر متناسب با هر عنوان.

## روند اجرایی طرح

خلاصه روند اجرایی طرح حاضر از قرار ذیل است:

۱. تهیه طرح‌نامه پروژه توسط مجری و تصویب آن در شورای علمی گروه؛
۲. تهیه شیوه‌نامه تحقیق توسط مجری و تصویب آن در شورای علمی؛
۳. پیشنهاد عناوین هر یک از بخش‌ها و جریان‌های تفسیری به استادان و محققان مرتبط با موضوع؛
۴. تهیه طرح‌نامه هر یک از بخش‌ها توسط محققان و تصویب آن در شورای علمی گروه؛
۵. تدوین بخش‌ها توسط محققان در چهارچوب شیوه‌نامه مصوب؛
۶. ارزیابی هر یک از آثار توسط دو محقق صاحب‌نظر و بررسی ارزیابی‌ها توسط گروه و انعکاس نتایج به محققان؛
۷. انجام اصلاحات پیشنهادی توسط محققان؛
۸. ویرایش نهایی آثار و همگون‌سازی آنها در راستای شیوه‌نامه.

به سامان رسیدن این طرح، حاصل مساعدت‌های علمی جمعی از اندیشمندان حوزه و دانشگاه است. استادان و محققان ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین محمود رجبی، حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر بابایی، حجت‌الاسلام والمسلمین محمود عبداللهی، حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن، حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان،

---

– المفسرون مدارسهم و مناہجهم اثر فضل حسن عباس؛

– مکاتب تفسیری اثر علی‌اکبر بابایی؛

– مناہج المفسرین اثر عبدالحمید محمود منیع؛

– نقد منهج التفسیر والمفسرین المقارن اثر سالم الصفار.

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی کریمی، حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی و جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر در مرحله طراحی و تصویب طرح‌نامه و شیوه‌نامه آن در جلسات مکرر شورای علمی گروه قرآن‌پژوهی همکاری داشته‌اند.

استادان و محققان ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی ایازی در ارزیابی طرح‌نامه و با پیشنهادهای سازنده، این طرح را پشتیبانی کرده‌اند.

در جلد نخست، تألیف بخش منطق تفسیر قرآن را حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن، بخش جریان روایت‌گروی و قرآن‌گروی را حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی، بخش جریان سلفی‌گری را حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان، بخش جریان باطنی را جناب آقای دکتر محسن قاسم‌پور، بخش جریان عرفانی را جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر و بخش جریان علمی را سرکار خانم دکتر شادی نفیسی تألیف کرده‌اند.

استادان و محققان ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد، حجت‌الاسلام والمسلمین محمود عبداللهی، حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر بابایی، حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب حسینی، حجت‌الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان، حجت‌الاسلام دکتر احمد عابدی، حجت‌الاسلام دکتر علی شیروانی، جناب آقای دکتر محمدکاظم شاکر و جناب آقای دکتر محمد فنایی اشکوری در ارزیابی بخش‌های جلد نخست سهیم بوده‌اند.

نظارت کلی اجرای طرح نیز بر عهده محقق ارجمند حجت‌الاسلام دکتر محمدباقر سعیدی روشن و مدیریت اجرایی آن بر عهده حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی بوده است. همچنین جا دارد از پیگیری و اهتمام مجدّانه کارشناس محترم گروه آقای محسن یوسفی نسبت به فراهم‌سازی این مجموعه قدردانی گردد.

این همه حاصل تلاش ما به توفیق خدای متعال است، و امیدواریم که این اثر بتواند در جهت‌گیری هر چه مطلوب‌تر تفسیر سودمند افتد. با این حال بر این باوریم که این آغاز راهی طولانی است که باید با گام‌های استوار و نگاه‌های ژرف به مدد الهی و رهنمود دیگر قرآن‌پژوهان کمال یابد؛ بمنّه و کرمه.

گروه قرآن‌پژوهی - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۸۷

بخش اول

# منطق تفسیر قرآن

دکتر محمدباقر سعیدی روشن  
دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



قرآن حقیقتی آسمانی است که برای هدایت همه‌جانبه انسان در مسیر سعادت دنیا و آخرت نازل شده است. این دستاویز محکم الهی توانسته است در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، مسلمانان را در محور خود نگه دارد.

تفسیر قرآن، جریانی پرگستره در تاریخ و فرهنگ اسلامی است. آبشخور این جریان پر دامنه، هویت الهی قرآن و معانی بیکران آن بوده است؛ بدین رو، قرآن منبع اساسی آیین اسلام و مرجع باورهای ایمانی و رفتارهای دینی هر فرد مسلمان تلقی می‌شده است. اما با وجود اعتقاد اعضای خانواده اسلامی نسبت به ظرفیت هدایت‌بخشی قرآن، تاریخ تفسیر و فهم قرآن و آثار مربوط نشان‌دهنده تمایز نسبتاً فراوان برداشت‌ها از قرآن است؛ چرا؟

واقعیت این است که نمی‌توان از تنوع دیدگاه‌های تفسیری اجتناب ورزید، اما مسئله آن است که آیا همه رهیافت‌های تفسیری به یک اندازه مسیر کشف معارف قرآن را تسهیل نموده و هدف‌های قرآن را می‌نمایاند؟ به قاعده، پاسخ این سؤال منفی است. هر چند نمی‌توان منشأ اختلاف فهم‌ها را در عامل معینی منحصر دانست، اما بی‌گمان از جمله علل تفاوت دیدگاه‌ها و نظریه‌های تفسیری را می‌توان عدم تنقیح مبانی قرآن‌شناختی و روش‌های تفسیری آنان برشمرد؛ از این رو، تعریف و تبیین دقیق مبانی، قواعد و روش تفسیر و معیار سنجه‌پذیری تفسیر، می‌تواند منشأ تحول اساسی در تفسیر گردد. این نکته به‌ویژه از این لحاظ دارای اهمیت است و با بررسی اجزای تشکیل‌دهنده منطق تفسیری مسلمانان معلوم می‌شود که عناصر مشترک و مورد وفاق این منطق در میان فرق اسلامی، بسیار چشمگیر و قابل اعتناست؛ از این رو، این منطق مشترک با توجه به پشتوانه استدلالی خود می‌تواند معیار تفسیر قرآن تلقی گردد.

منطق، شیوه درست اندیشیدن و راهبرد صحیح از مقدمات به نتایج است. منطق یک علم به مفهوم برخورداری آن علم از یک چهارچوب روشی مستدل است. «منطق تفسیر» نیز به مفهوم چهارچوب روشی مستدل جهت شناخت معنای آیات قرآن و به دست آوردن مراد خداوند است. چه اینکه فرایند تفسیر قرآن، مستلزم یک نوع اجتهاد علمی و به کار بردن تمام عناصر معرفتی برای رسیدن به معنای متن و کشف مقصود مآتن است، و اجتهاد نیز مبتنی بر چهارچوب روشی مستدل می‌باشد. اجزای اصلی این منطق را می‌توان در زوایای میناداری، قاعده‌مندی، روش‌مندی و معیارپذیری ملاحظه نمود. این عناصر در واقع متدلوژی اجتهاد در تفسیر یا همان منطق تفسیر را ترسیم می‌نمایند. این بخش در چهار محور: مبانی تفسیر، قاعده‌مندی، روش‌مندی و معیارپذیری به هدف تبیین منطق تفسیر قرآن سامان یافته است، هر چند ممکن است برخی از عناصر درونی عناوین فوق جنبه فلسفه تفسیری داشته باشد. پیش از ورود به بحث، یادکرد دو نکته ضروری است: نخست آنکه ممکن است برخی از عناوین در دو جا و با دو نوع نتیجه‌گیری آمده باشد که دلیل این تکرار نیز تفاوت حیثیت آن عنوان در هر مورد است. نکته دوم آن است که مرادمان از تفسیر که این بخش در بیان منطق آن است، اجتهاد در تفسیر و فهم در سطح برداشت یک نظریه و نسبت آن به یک مفهوم از مفاهیم قرآن و نظریه‌پردازی است، نه صرف فهم لفظی از یک واژه و یا فهم یک عبارت و جمله.



## فصل اول

### تفسیر قرآن و مبانی

#### مفهوم تفسیر

با وجود تنوع تعبیرها در مفهوم تفسیر، می‌توان اذعان ورزید که تفسیر قرآن در نگاه عالمان مسلمان نوعی تلاش علمی و تکاپوی فکری در جهت کشف و شناخت مقصود خداوند از متن قرآن کریم تلقی شده است. مناسب است نمونه‌ای از تعریف‌های فریقین ملاحظه شود.

راغب اصفهانی می‌گوید:

«التفسیر فی عرف العلماء کشفُ معانی القرآن و بیان المراد، اعم من ان یکون بحسب اللفظ المشکل و غیره و بحسب المعنی الظاهر و غیره»<sup>۱</sup>.

ابن عاشور تفسیر را چنین تعریف می‌کند:

«هو علم یبحث فیه عن احوال القرآن المجید من حیث دلالتہ علی مراد اللہ تعالیٰ بقدر الطاقة البشریة»<sup>۲</sup>.

بدرالدین زرکشی می‌نویسد:

«التفسیر (علم) یعرف به فهم کتاب اللہ المنزل علی نبیہ محمد ﷺ و بیان معانیہ و استخراج احکامه و حکمہ...»<sup>۳</sup>.

علامه طباطبایی می‌نویسد:

«التفسیر هو بیان معانی الآیات القرآنیة و الکشف عن مقاصدها و مدالیلها»<sup>۴</sup>.

۱. نقل از: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، نوع ۷۷. ۲. ابن عاشور، التحریر و التنویر (مقدمه)، ص ۱۱.

۳. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۳. ۴. طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۴.

ملاحظه تعریف‌های یاد شده نشان می‌دهد که شناخت معنا و به دست آوردن مراد خداوند از متن قرآن، عنصر مشترک تعریف‌های یاد شده است و به همین روی می‌توان گفت: تفسیر قرآن یک نوع تلاش علمی روش‌مند می‌باشد که هدف آن شناخت معانی قرآن و به دست آوردن مقصود خداوند است.

بیان فوق تأکید بر سه عنصر اساسی و چگونگی نقش هر یک از آنها در فرایند تفسیر است. عنصر اصلی «قصد» گوینده و صاحب وحی است که فلسفه ابراز کلام او را تشکیل می‌دهد. عنصر دوم «متن» است که منویات گوینده در قالب آن ریخته شده و به حسب اقتضای خود، یک ظهور اولیه معنایی و یک مرحله اثبات مراد گوینده دارد که بر پایه مکانیسم خاصی به دست می‌آید، و سرانجام عنصر سوم، «فهمنده» متن است که نقش اساسی او شناخت معنای متن و به دست آوردن مقصود گوینده متن در پرتو یک راهبرد صحیح و چهارچوب منطقی است.

### مفهوم مبانی

هر دیدگاه و نظریه‌ای معمولاً دارای یک رشته مبانی و پیش‌فرض‌ها، دلایل و روش، لوازم منطقی و نتایج است. تفسیر آیات قرآن و استخراج معانی آن از سوی یک مفسر نیز مشمول این قاعده است.

واژه مبنا<sup>۱</sup> که امروز در زبان فارسی و همین‌طور عربی متداول است، از اصل «ب، ن، ی»، به مفهوم پایه، زیرساخت، بنیاد، شالوده و اصول بنیادی آمده است.<sup>۲</sup>

مبانی یک علم، اصول موضوعه و پیش‌فرض‌هایی است که آن علم براساس آنها شکل می‌گیرد و مفهوم می‌یابد. برای مثال وقتی دانشمندان در صدد شناسایی علت یک بیماری یا یک پدیده طبیعی یا حادثه اجتماعی برمی‌آیند، نمی‌پرسند که آیا بیماری یا یک پدیده و حادثه علت دارد یا نه، بلکه وجود علت برای هر پدیده را یک اصل مسلم می‌دانند.

معمولاً علوم مختلف دارای دو نوع مبنای عام و خاص می‌باشند. اصل عدم اجتماع و ارتفاع نقیضین و همین‌طور اصل علیت، مبنای عام تمامی علوم است؛ همچنان که هر علمی

۱. در انگلیسی با واژه fundamental بیان می‌شود.

۲. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۰۶؛ دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۲، ص ۱۷۷۴۱؛ حق‌شناس و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره، ج ۱، ص ۶۳۷.

یک رشته مبانی مخصوص به خود نیز دارد؛ بدین رو، مبانی تفسیر نیز پیش فرض‌ها و اصول موضوعه‌ای است که فرایند تفسیر بر پایه آنها استوار می‌گردد.

## منشأ و ساختار مبانی

مبانی تفسیر به خاطر اینکه زیرساخت‌ها و پی‌های ساختمان تفسیر را تشکیل می‌دهند، بر اصول و قواعد تفسیر و همین‌طور روش‌ها و جهت‌گیری‌های تفسیر اثر می‌گذارد و در نهایت، رویکردها و مکتب‌های مختلف تفسیری را از هم متمایز می‌نماید.

مبانی تفسیر بیرون از حوزه تفسیر و به عنوان اصول موضوعه و پیش فرض‌های تفسیر به شمار می‌آیند. نسبت این پیش فرض‌ها با خود تفسیر چنان است که از سنخ معرفت درجه دوم به شمار می‌روند و نقش علوم آلی را ایفا می‌کنند.

منشأ پیدایش و زایش مبانی تفسیر قرآن، یک رشته واقعیت‌های هستی‌شناختی ناظر به گوینده متن، حقایق انسان‌شناختی ناظر به فهم انسان و ویژگی‌های متن‌شناختی مربوط به قرآن کریم است.

با توجه به ماهیت مبانی تفسیر، مرجع تبیین (بیان چرایی و علت) و توجیه (دلیل صدق و موجه‌سازی) آنها، تحلیل عقلی (مانند هستی‌شناختی ناظر به حکمت و هدف‌داری خدا در هر فعل، انسان‌شناختی و توانمندی انسان بر کسب معرفت و شناخت)، تحلیل عقلایی (مانند معناداری متن بر اساس قانون وضع و دلالت)، و قطعیات نقلی (قرائت قرآن) و یا دلایل مرکب است (مانند دلیل عقلی و نقلی بر جاودانگی قرآن و نفی تحریف قرآن).

از آنجا که معنا (اعم از ثبوتی و یا اثباتی) و تفسیر متن، از یک منظر وابسته به ارکان سه‌گانه، پدیدآورنده متن، خود متن، و فهمنده متن است. مبانی اساسی تفسیر متن نیز در پرتو این سه رکن اصلی جستجو می‌گردد.

از منظری دیگر، می‌توان مبانی تفسیر قرآن را به دو محور کلی مبانی مربوط به هویت قرآن یا مبانی صدوری و مبانی مربوط به چگونگی فهم قرآن یا مبانی دلالتی تقسیم کرد.<sup>۱</sup> در هر روی آنچه در ذیل می‌آید بیان پاره‌ای از مبانی مربوط به هویت الهی متن قرآن و چگونگی تفسیر آن است.

۱. هادوی، مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن، ص ۳۱.

### ۱-۱. مبانی شناسنامه‌ای

پیش از ورود به مرحله تفسیر اذعان به چیستی هویت قرآن، مبدأ انتساب، هدف و ساختار آن، می‌تواند مسیر تفسیر آن را ترسیم نماید، هر چند این امور از مبادی متقدم بر تفسیرند؛ از این رو، برخی مبانی شناسنامه‌ای قرآن به اشاره یادآور می‌گردد.

#### الف) قرآن سخن خدا

از مبانی مسلم مربوط به متن قرآن که به سهم خود اثری جدی در چگونگی شناخت معانی و معارف قرآن بر جای می‌گذارد، الهی بودن متن و محتوا، یا الفاظ و معانی قرآن کریم است.

#### ب) همگانی بودن دعوت قرآن

قرآن برای هدایت همه مردم می‌باشد و تنها هدایت و راهبری قومی خاص و یا مردم منطقه‌ای خاص مد نظر در نزول قرآن نبوده است. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»<sup>۱</sup>.

#### ج) قرآن مصون از تحریف

از دیگر پیش فرض‌ها در تفسیر قرآن کریم مصونیت قرآن از هرگونه تحریف است. این مبنا با توجه به دلایل قطعی آن مورد پذیرش فریقین است و قابل مناقشه نیست.

#### د) جامعیت و کمال

قرآن جامع همه خصوصیات است که برای هدایت بشریت لازم است و مطالب آن در اعلا درجه کمال قرار دارد: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»<sup>۲</sup>.

#### ه) جاودانگی

از جمله مبانی مربوط به قرآن آن است که این کتاب راهنمای ابدی و جاودانی خدا برای همه انسان‌ها و همه دوران‌هاست. مخاطب قرآن تنها مردم عصر نزول نبوده و محتوای آن نیز به عصر خاصی اختصاص ندارد.<sup>۳</sup>

۱. بقره، ۱۸۵.

۲. مائده، ۳.

۳. ر.ک: سعیدی روشن، «قرآن نزول تاریخی، حضور فراتاریخی»، مجله پژوهش‌های فلسفی، ش ۲۸، ۱۳۸۵.

## ۱-۲-۱. مبانی دلالتی تفسیر قرآن

تفسیر قرآن بر یک رشته مبانی و اصول عقلی، عقلایی و نقلی قطعی استوار است که به صورت مستقیم در چگونگی شناخت معنا و مقصود آن تأثیر می‌گذارد.

### ۱-۲-۱. فهم‌پذیری قرآن

مسئله امکان فهم و تفسیر قرآن، دو جنبه دارد. یک بُعد این مسئله ناظر به این جهت است که اساساً قرآن فهم‌پذیر است یا از قبیل معماهای ناگشودنی و فهم‌ناپذیر؟ بُعد دیگر این مسئله به مخاطب برمی‌گردد؛ یعنی کدام مخاطب می‌تواند قرآن را بفهمد و تفسیر کند؟ آیا فهم و تفسیر قرآن مختص به معصومان است یا سایر انسان‌ها نیز به اندازه ظرفیت فکری خود می‌توانند قرآن را بفهمند؟ اگر این مسئله از بُعد اول بررسی شود، واضح است که قرآن یک متن صامت و ناگویا نیست که مخاطب آشنا به زبان عربی هیچ نوع فهم و برداشتی از آن نداشته باشد، بلکه برعکس، مخاطبان اولیه عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با شنیدن همین قرآن و فهم آن عکس‌العمل نشان می‌دادند، برخی ایمان می‌آوردند و برخی دیگر، آموزه‌ها و معارف آن را معارض با منافع خود تلقی کرده، به مبارزه با آن برمی‌خاستند. همین‌گونه، تحدی و دعوت مخالفان به هم‌آوردی که از سوی قرآن انجام گرفت، مبتنی بر فهم قرآن از سوی آنان است.

اما مسئله امکان فهم قرآن برای غیر معصوم، یک مسئله عقلی است؛ یعنی این سؤال ناظر به این جهت است که آیا می‌توان قرآن را تفسیر کرد یا این کار محال و ناممکن است؟ در اینجا سه فرض می‌تواند مطرح شود: امکان فهم به نحو مطلق، عدم امکان فهم به نحو مطلق، و امکان فهم به نحوی الجملة و نه مطلق. امکان در مقابل امتناع است؛ یعنی اگر تفسیر قرآن ممکن نباشد، باید امتناع داشته باشد، در حالی که این‌طور نیست؛ تفسیر قرآن نه محال ذاتی مثل اجتماع نقیضین است و نه امتناع بالغیر دارد؛ مانند وجود معلول بدون علت؛ بنابراین، نتیجه گرفته می‌شود که تفسیر قرآن ممکن است؛ یعنی با وجود فراهم بودن شرایط ممکن‌الوقوع است نه ممتنع‌الوقوع. افزون بر این، دلایل متعددی نیز وجود دارد که امکان تفسیر را اثبات می‌کند.

### دلایل امکان فهم و تفسیر قرآن

از آنجا که تفسیر یک متن از جمله قرآن کریم پیوندی وثیق با چند عامل اساسی یعنی پدیدآورنده متن، خود متن و مفسر متن دارد، مسئله امکان فهم متن نیز براساس همین عوامل قابل بررسی است.

## اول: امکان تفسیر به لحاظ هدف فرستنده

### الف) انگیزه عقلایی سخن

همه عقلا وقتی در مقام گفتگوی جدی با مخاطبان خود سخن می‌گویند، یا کتاب و مقاله‌ای می‌نویسند، انگیزه و هدفشان از این کار آن است که مقصود خود را به مخاطب بفهمانند. شارع مقدس و فرستنده قرآن نیز در خطاب به عقلا از این قاعده مستثنا نیست.

### ب) هدف نزول وحی

برهان عقلی اقتضا می‌کند که اگر فرستادن وحی از سوی خداوند امری ضروری در هدایت انسان است، امکان تفسیر و فهم آن نیز که مقدمه عمل و تأثیرپذیری از راهنمایی آن است، باید وجود داشته باشد تا هدف نزول وحی تحقق یابد؛ زیرا اگر متن وحیانی قرآن قابل فهم نباشد، مستلزم نقض غرض و ملازم با لغو بودن نزول آن است. اما ساحت خداوند منزّه از فعل بیهوده است؛ بدین رو نتیجه گرفته می‌شود که قرآن فهم‌پذیر است و امکان فهم آن نیز در تحقق حد نصاب هدایت برای همه وجود دارد.

نکته فوق از خلال آیات متعددی نیز قابل استفاده است که هدف اساسی از ارسال پیامبران و نزول وحی بیداری مجرای فکری انسان‌ها و اتمام حجت به عنوان لازمه مسئولیت‌خواهی از آنان است: «لِيَلْأَيُّكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»<sup>۱</sup>. قرآن نیز به عنوان کامل‌ترین وحی خدا مشمول این قانون است.

منوط کردن مطلق فهم قرآن به پیامبر اکرم و معصومان عليهم السلام، با اینکه اعتبار سخن معصوم نیز از ناحیه خود قرآن است، ادعای موجهی نمی‌باشد؛ البته این سخن هرگز نافی فهم حداقلی انسان‌های عادی و فهم حداکثری انسان‌های برگزیده الهی یعنی معصومان نیست.

## دوم: امکان فهم و تفسیر به لحاظ متن قرآن

قرآن که امروز به صورت متن مکتوب است، همان وحی نازل شده بر پیامبر اسلام می‌باشد. بررسی متن قرآن و ملاحظه ویژگی‌های آن نیز به وضوح نشان می‌دهد که قرآن به زبان عربی روشن و دارای ترکیب و مضمون معنادار و قابل فهم و تفسیر است. قرآن نه یک متن پیش‌پاافتاده است که هیچ نوع تفسیری را برنتابد و نه یک متن معماگونه و نامفهوم است که